

پایان جنگ تحمیلی با قطعنامه تحمیلی

سیری در موضع
حضرت امام خمینی(ره)
تا چند روز پیش از قبول قطعنامه

سماهی سماهی



پایان چنگ تحرمی
با قطعنامه تحرمی
سیری در موضع حضرت امام خمینی(ره)
تا چند روز پیش از قبول قطعنامه

۱۳۸۹ مرداد

مؤسسه فرهنگی عمار یاسر

www.ammaryaser.ir

info@ammaryaser.ir

زندگی رهبران دینی و الهی دریایی از حوادث و جریاناتی است که اگر با دیدهای سالم و غیرخاکی بدان‌ها نگریسته شود، در اعمق وظیفه‌شناسی، قله‌هایی از مظلومیت نیز نمودار می‌گردد. حوادثی که با نگاهی نپاک و خاکی، یا موجب انکار می‌گردد یا لاقل موجب ابهام. حضرت امام خمینی(ره) از چنین رهبرانی است که این‌گونه اتفاقات در حیات پر برکتش بسیار یافت می‌شود. در این نوشتار برآئیم که یکی از این امور در سال‌های پایانی عمر حضرت امام(ره) را صرفاً دنبال کنیم؛ «قبول قطع نامه». مسأله‌ای که امروزه به پیش‌بینی خود امام(ره) از سوی بی‌خبران از عوالم غیب و فلسفه شهادت، بارها مورد تشکیک قرار گرفته است. ذکر این نکته ضروری است که در حال حاضر صرفاً در پی آنیم که این سؤال را در قاموس خود امام(ره) به طور جدی بازخوانی کنیم تا روشن شود که بسیاری از جواب‌هایی که امروزه به آن داده می‌شود، در واقع جواب امام(ره) نیست، بلکه جواب تصویری موهم از امام(ره) است که در ذهن شخص پاسخ‌گو ترسیم شده‌است؛ جواب «عکس» امام. و شاید از همین روست که بسیاری از کسانی که حقیقتاً امامی می‌اندیشند هم‌چنان در حسرت پاسخی درخور به این سوال می‌سوزند و چون سخن از جام زهر است نه جام عسل، نگران تکرار احتمالی تاریخ‌اند.

از خداوند متعال عاجزانه خواهانیم که ما را دیدهای پاک عنایت فرماید و «چشم بد» را از آن امام دل‌ها دور گرداند.



اما سوال اساسی: «چرا امام قطع نامه را پذیرفت؟»

به این سؤال پاسخ‌های مختلفی داده شده است. مثل خستگی از نابسامانی‌های ناشی از جنگ، عدول و پایین آمدن از موضع آرمان‌گرایانه سال‌های آغازین جنگ، تحریم‌های گوناگون، سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران از سوی ناو آمریکایی (که شاید به معنای ورود رسمی آمریکا به جنگ با ایران بود) و اما نکته این جاست که این پاسخ‌ها گرچه زبان حال و قال بسیاری از مردم و حتی مسئولان در آن زمان بوده است (و متأسفانه بعضًا امروزه به حضرت امام(ره) هم نسبت داده می‌شود)، اما با موضع صريح امام(ره) خصوصاً در همین سال، یعنی سال ۶۷، ناسازگار بوده و جامه‌ای است که قدری برای تن مبارک ایشان تنگ و ناموزون است. برای روشن شدن منطق فکری و مبارزاتی حضرت امام در این سال، سیری از فرمایشات ایشان را از عید سال ۶۷ با هم مرور می‌کنیم:

«موسى بن عمران چه کرد، در زندگی اش چه کرد، حضرت ابراهیم در زندگی اش چه کرد، تمام این‌ها قیام کردند در مقابل جور، در مقابل ظلم، همه، قیامشان این معنا بود. ما سر مشق باید بگیریم از این‌ها و ما باید قیام کنیم در مقابل ظلم؛ مسلمان‌ها باید در مقابل جورها، در مقابل ظلم‌ها، در مقابل منكرات قیام کنند، همان‌طوری که ملت شریف ایران بحمد الله قیام کرد و می‌شود گفت که این انقلاب که در این دعای شریف واقع شده است که «يا مقلب القلوب»، در جوان‌های ما واقع شده است؛ این‌ها الآن برگشتند از یک حالی به حال دیگری و حال نوبی پیدا کرده‌اند. و در این ماه که ماه شعبان است باید ما توجه به این معنا بکنیم که ما باید چه بکنیم، با این طاغوت‌ها باید چه بکنیم؟ باید همان‌طوری که سید الشهداء -سلام الله عليه- تمام حیثیت خودش، جان خودش را و بچه‌هایش را، همه چیز را در صورتی که می‌دانست قضیه این‌طور می‌شود، کسی که فرمایشات ایشان را از وقتی که از مدینه بیرون آمدند و به مکه آمدند و از مکه آمدند بیرون حرف‌های ایشان را می‌شنود همه را، می‌بیند که ایشان متوجه بوده است که

چه دارد می‌کند، این جور نبود که آمده است بییند که، بلکه آمده بود حکومت هم می‌خواست بگیرد، اصلًا برای این معنا آمده بود و این یک فخری است و آن‌هایی که خیال می‌کنند که حضرت سید الشهدا برای حکومت نیامده، خیر؛ اینها برای حکومت آمدند، برای اینکه باید حکومت دستِ مثل سید الشهدا باشد، مثل کسانی که شیعه سید الشهدا هستند باشد؛ اصل قیام انبیا از اول تا آخر این بوده است. در طبیعت قیام انبیا- قیام مسلحانه یا غیر مسلحانه- در مقابل همه کسانی که به جور داشتند مردم را از بین می‌بردند باشد.

... و ما امروز مبتلای به این معنا هستیم، مسلمان‌ها مبتلای به این معنا هستند، مسلمان‌ها می‌بینند که این دولت‌های بزرگ، این قدرت‌های بزرگ و این کسانی که اذناب آنها هستند، کسانی که فرمانبر آنها هستند الان با مسلمین، با مردم، با مستضعفین، حتی با آن کسانی که مال خودشان است چه می‌کنند. تمام این‌ها ظاهر می‌گویند که ما اقامه عدل می‌خواهیم بکنیم، اما چه عدلی؟ عدل امریکایی، عدل امریکایی یعنی چه؟ یعنی هر کس خاضع به من شد، آن یک چیزی است که ما او را قبولش داریم، هر کس منافع مملکتش را به ما داد ما او را قبول داریم! از آنور شوروی هم همین است، همه این قدرت‌های بزرگ این‌طوری هستند و ما باید در مقابل تمام این‌ها بایستیم، همان‌طوری که جوان‌های ما بحمد الله الان در جبهه‌ها این پیروزیها را، این پیروزی‌های بزرگ را به دست آوردن، باید تا آخر این مطلب باشد، باید هیچ درش سستی نشود تا وقتی که إن شاء الله علم را به دست صاحب علم بدهنند. بنا بر این عید نوروز ما، یک عید نوروزی است که در یک وقتی واقع شده است که حجت بر ماست و او این است که زندگی سید الشهدا، زندگی حضرت صاحب- سلام الله عليه- زندگی همه انبیای عالم، همه انبیا از اول، از آدم تا حالا همه‌شان این معنا

بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می خواستند درست کنند-
حکومت- و مع الأسف به قدری به گوش ما خواندند، به قدری به گوش
ملت ما خواندند، به گوش ملت های ضعیف خواندند که حکومت به شما
چه کار دارد، شما برو نمازت را بخوان، شما مسجدت را ببرو، همین! البته،
ما اگر فقط مسجد برویم و دعا بکنیم و بعد هم دعا به- عرض بکنم که-
آن بزرگان چه بکنیم، همه با ما خوب می شوند! اما وظیفه این است که ما
برویم مسجد بنشینیم دعا بخوانیم یا وظیفه این است که ما باید قیام بکنیم؟
وظیفه این است که ما همه باید همه چیز خودمان را در راه اسلام فدا
بکنیم، چنان چه اولیای ما این کار را کردند. و امروز شما می بینید که این
صدام را که بحمد الله سیلی خورده است و الان محبو این سیلی است، الان
نمی فهمد دارد چه می کند.»^۱

...

«من باید تشکر کنم از این ملت، این ملت شریف خودمان و خصوصاً
از این کسانی که در جبهه ها مشغول هستند یا پشت جبهه ها مشغول به این
هستند که آنها را کمک کنند، ما باید تشکر کنیم از اینها و خصوصاً از این
جوان هایی که همه چیزشان را در راه اسلام دادند. شما ملاحظه می کنید که
اشخاصی می آیند اینجا، همه چیزشان را کائنه دادند، مع ذلک می گویند کاش
که ما یک بچه کوچکی که داریم بزرگ بشود، برود جنگ بکند، اینها
حجه بر ما هست، اینها حجه بر آن اشخاصی هست که تو خانه نشستند
و نق می زنند، تو خانه نشستند و به مردم تزریق می کنند که نه، نروید جایی؛
خدا ان شاء الله بیدار کند اینها را، خداوند ان شاء الله اشخاصی را که
مخالفت می کنند یا از روی عمد یا از روی- عرض می کنم- نفهمی مخالفت
می کنند، اینها را بیدار کند و اینها را در این سال نو تجدید کند.»^۲

«ملت شهیدپرور ایران بدانند این روزها روز امتحان الهی است. روز پر خاش علیه کسانی است که با اسلام کینه دیرینه دارند. روز انتقام از کفر و نفاق است. روز فدایکاری است. امروز روز عاشورای حسینی است. امروز ایران کربلاست، حسینیان آماده باشید. «جَهَّرُوا أَنفُسَكُمْ بِالصَّلَاحِ وَ السَّلَاحِ». نهراسید. که نمی هراسید، کمریندهاتان را محکم کنید. ای آزادگان و احرار پا خیزید. قدرت‌های بزرگ شرق و غرب می خواهند شما را در زیر چکمه‌ها و چنگال‌های کثیف و خونین خود خُرد کنند که حتی آخر هم نگویید. امروز روز مقاومت است. چنان بر صدام و امریکا و استکبار غرب سیلی زنید که برق آن چشمان استکبار شرق را کور کند. امروز روز درنگ نیست. امروز روز صیقل انسانیت انسان‌هast. روز جنگ است. روز احراق حق است. و حق را باید گرفت. و انتظار آنکه جهان‌خواران ما را یاری کنند بی‌حاصل است. امروز روز حضور در حجله جهاد و شهادت و میدان نبرد است. روز نشاط عاشقان خداست. روز جشن و سرور عارفان الهی است.

امروز روز نغمه‌سرایی فرشتگان در ستایش انسان‌های مجاهد ماست.

درنگ امروز فردای اسارت‌باری را به دنبال دارد. امروز باید لباس فرهنگی امیریار بپسر طلیعه فجر تا ظهرور شمس به پیش تاخت و ضامن بقای خون شهیدان بود.

فرزندانم، دشمن در بمباران شیمیایی مناطق مسکونی نهایت قساوت و درندگی خود را نشان داده است؛ و با حمله شیمیایی به مردم بی دفاع عراق حتی پایه‌های حمایت حامیان خود را نیز سست نموده است. به سوی جبهه‌ها هجوم برید تا ضربات پی در پی شما توان و امان او را بگیرد، که ان شاء الله پیروز خواهد شد. و السلام على عباد الله الصالحين.^۳

«مردم عزیز ایران بعد از فراغت از انتخابات همچون گذشته به پشتیبانی مادی و معنوی خود از جبهه‌های نبرد و رزمندگان ادامه دهند و سپاهیان نور را حمایت نمایند و همه آنان و رزمندگان عزیز بدانند که در هر صورت پیروزی با ماست و ما به این مسئله با تمام وجود معتقدیم و از آغاز جنگ تا کنون بارها عنایات حق را دیده‌ایم. و ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که از آن روزی که در این راه مقدس قدم نهاده‌اند، چیزی را از دست نداده‌اند که نگران حادثه باشند و ضرری نکرده‌اند که از آن احساس غبن و پشیمانی کنند؛ همه سرمایه‌های آنان در پیشگاه مقدس حق تعالی باقی مانده است.»^۴

...

«رزمندگان عزیز و دلاور ما اعم از ارش و سپاه و بسیج با تکیه بر ایمان و سلاح و امید به نصرت حق و با حمایت بی‌شائبه مردم، به نبرد و دفاع مقدس خود ادامه دهند و عزمها را جزم کنند و بر دشمن زبون بتازند و با همت خود افتخار نصرت و پیروزی را به ارمغان آورند که سرنوشت جنگ در جبهه‌ها رقم می‌خورد، نه در میدان مذاکره‌ها. و به یاری خداوند و دعای خیر حضرت بقیة اللہ - ارواحنا فداء - حرف آخرمان را با صدامیان و جهانخواران در صحنه حمامه جهاد و شهادت می‌زنیم و از خداوند نیز صبر و مدد می‌طلیبیم. خداوند یار و ناصر مجاهدان و رزمندگان ما باد.»^۵

مؤسسه
فرهنگی
علمی
یاسر



۶

همان طور که ملاحظه می‌شود دیدگاه حضرت امام(ره) تا اندکی پیش از قطعنامه، هم‌چنان «رقم خوردن سرنوشت جنگ در جبهه‌ها و نه در میدان مذاکره‌ها» است؛ و بالاتر از آن به صدام هم اکتفا نکرده، خواستار سیلی زدن به آمریکا و استکبار غرب و شرق بوده و در «افق طلیعه فجر» به دنبال پیش‌تازی «تا ظهور شمس» است. لذا به نظر می‌رسد حضرت امام(ره) ذره‌ای از مواضع استراتژیک خود نسبت به سال‌های قبل عقب نشینی نکرده و هم چنان فریادگر «استمرار مبارزه تا رفع فتنه از عالم» (عنوان

سخنرانی ۲۰ آذر ۱۳۶۳ می‌باشد. فریادی که در ۱۱۲ خرداد ۶۷ هنگام انتصاب آقای هاشمی به سمت جانشینی فرماندهی کل قوا، به شدت طنین انداز است:

«آقای خامنه‌ای، رئیس جمهور، طی نامه‌ای به محضر امام خمینی اعلام داشت:

... پیشنهاد مشخص این جانب که قبلاً نیز کتاب و شفاهای معروض گردیده، این است که:

- ۱- کلیه امور مربوط به نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، ژاندارمری اعم از عملیات، پشتیبانی، امور سازمانی و اداری و غیره به شخص واحدی مفوض و محول گردد.
- ۲- شخص مذبور از سوی حضرت عالی موظف گردد که امور را از نزدیک و با قاطعیت تمثیت کند.

۳- دادگاه نیروهای مسلح موظف گردد که در تعقیب قضایی متهمین و اجرای محاکومیتها به طور کامل از نظر و دستور وی تبعیت کند. با توجه به همه جواب، به نظر این جانب، تنها فرد مناسب برای تصدی این مسئولیت مهم، جناب آقای هاشمی رفسنجانی است.

امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرمودند:]

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی - مؤسسه فرهنگی علمار بیاسیل

دامت افاضاته

با توجه به درگیری رویارویی امریکای جهان خوار علیه اسلام و ایران و هماهنگی غرب و شرق و ارتتعاج منطقه در مبارزه با انقلاب اسلامی و

۷ جلوگیری از پیروزی اسلام، به پیشنهاد رئیس جمهور محترم، جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای - دامت افاضاته جناب‌الله را با تمام اختیارات به جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب می‌نمایم. و جناب‌الله موظف به اجرای دستورات ذیل می‌باشد:

- ۱- ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینه وحدت کامل
- ۲- هماهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی در تمامی زمینه‌های دفاع مقدس اسلام. بدیهی است انسجام و ادغام مورد قبول و

صحیح ادارات و سازمانهای مربوط و پشتیبانی‌کننده در هماهنگی نیروهای مسلح نقش اساسی را دارا خواهند بود.

۳- تمرکز صنایع نظامی و تهیه ما يحتاج دفاع مقدسمن و انسجام امکانات تعمیراتی، پشتیبانی، فنی، مهندسی، رزمی، آموزشی و تحقیقاتی و نیز بسیج همه امکانات و ابزار در جهت اهداف مشخص از سوی فرماندهی کل.

۴- سعی در استفاده هر چه بهتر از امکانات و نیروها؛ و جلوگیری از به کار گرفتن امکانات مادی و معنوی در غیر موارد ضروری. و در همین راستا، حذف یا ادغام سازمانها و تشکیلات تکراری و غیر ضروری.

۵- تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح در تمام زمینه‌ها.

۶- استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخالف در هر رده.

۷- بهره‌برداری صحیح از کمکهای مردمی در تمامی زمینه‌ها.
قوای مقنه و اجراییه و قضاییه موظفند تمامی امکانات و سیاستهای خود را در جهت نیازهای جنگ به کار گیرند.
از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می‌خواهم تا با صبر و شکیبایی انقلابی و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند؛ و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است. جهان امروز غرق در نامردمیها و حیله‌های است؛ و شما یاران اسلام در اوج قداست و شرافت می‌باشید. من به همه شما دعا می‌کنم، خداوند یار و پشتیبان مبارزان راه خدا باد. توفیق جنابالی را از خدای تعالی مسأله دارم. و السلام عليکم و رحمة الله.

روح الله الموسوي الخميني»^۹

شاید به نظر برسد که سقوط هواپیمای مسافربری در تیر ماه ۶۷، امام خمینی(ره) را وادار به نوشیدن جام زهر نموده است. اما پیامی از امام در پی تشکر از پیام آقای منتظری، مبنی بر تسلیت این حادثه، کاملاً مخالف این گمانهزنی است و عزم امام(ره) را در فتح سنگرهای کلیدی جهان و «جنگی تمام عیار با آمریکا و اذنباش»، بیش از پیش آشکار می‌سازد. پیامی بسیار مهم که مواضع شخصی امام را در یکی از آخرین بیاناتش، تنها شانزده روز، پیش از قطع نامه و پس از این جنایت، بسیار روشن بیان می‌کند:

«مردم شریف ایران باید توجه کنند که امروز، روز مبارزه و جنگیدن با تمام شیاطینی است که حقوق حقه تمامی پابر亨گان جهان را صرف عیش و نوش و تهیه سلاح‌هایی می‌نمایند که برای همیشه حاکم دنیا گرسنگان باشند.

جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست؛ جنگ ما، جنگ با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست؛ جنگ ما، جنگ با مصر و اردن و مراکش نیست؛ جنگ ما، جنگ با ابرقدرت‌های شرق و غرب نیست؛ جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور؛ جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری‌های دنیا سرمایه‌داری و کمونیزم؛ جنگ ما جنگ پابر亨گی علیه خوش‌گذرانی‌های مرفهین و حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی است. این جنگ سلاح نمی‌شناشد، این جنگ محصور در مرز و بوم نیست، این جنگ، خانه و کاشانه و شکست و تلغی کمبود و فقر و گرسنگی نمی‌داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزش‌های اعتقادی- انقلابی علیه دنیا کثیف زور و پول و خوش‌گذرانی است. جنگ ما، جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمی‌هاست.

رزمندگان ما در دنیا پاک اعتقاد و در جهان ایمان تنفس می‌کنند و مسلمین جهان هم که می‌دانند جنگ بین استکبار و اسلام است، جهان- خواران را آرام نخواهند گذاشت و ضربه‌های خود را بر همه کاخ‌نشینان

وارد می‌کنند ... مردم شریف ایران نیز بداند که این روزها دست‌های ناپاک شرق و غرب برای هدم اسلام و مسلمین در یکدیگر گره خورده است، باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی مان در جبهه‌ها از بین برود. برای برپایی احکام اسلام عزیز دست اتحاد به یکدیگر داده، محکم و استوار تا پیروزی اسلام حرکت کنیم.

مسئولین نظام باید تمامی همّ خود را در خدمت جنگ صرف کنند. این روزها باید تلاش کنیم تا تحولی عظیم در تمامی مسائلی که مربوط به جنگ است به وجود آوریم.

باید همه برای جنگی تمام عیار علیه امریکا و اذناش به سوی جبهه رو کنیم. امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است، غفلت از مسائل جنگ، خیانت به رسول الله -صلی الله علیه و آله و سلم- است. این جانب جان ناقابل خود را به رزمندگان صحنه‌های نبرد، تقدیم می‌نمایم.^۷

پس به راستی چرا حضرت امام(ره) با این مواضع صریح و محکم به یک باره قطعنامه را پذیرفت؟ در این باره شاید فرازی از فرمایش خود امام(ره) در پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه ۵۹۸) کارگشا باشد:

«... و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلًا خودداری می‌کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول

قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم. و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم، و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.^۸

این کلام امام خمینی(ره) گویای این نکته است که اگر چه ذکر حوادث و عوامل پذیرش قطعنامه در آن زمان مصلحت نبوده است، اما این عوامل برای همیشه پنهان نخواهند ماند و قابل روشن شدن هستند.

آیا هنوز آینده روشنی که امام از آن دم می‌زند فرا نرسیده است؟!



اما حرف آخر:

«... من باز می‌گوییم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرעה را نوشیدم. و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند. و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است ... مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم. و شما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم؛ و شما را می‌شناسم؛ شما هم مرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی ام بود. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر آبرویی داشتم با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم، شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم. خداوندا، تو می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم.^۹»

مُؤْسَسَة
فرهنگی
علمی
یاسار


خسته و خفته از این خیل، جدا می‌ماند
مرغ دل سیر ز هر دام رها می‌ماند
هم‌چو داغی به دل کور شما می‌ماند
نعره ماست که در گوش شما می‌ماند
مرد با هرچه ستم هر چه بلا، می‌ماند

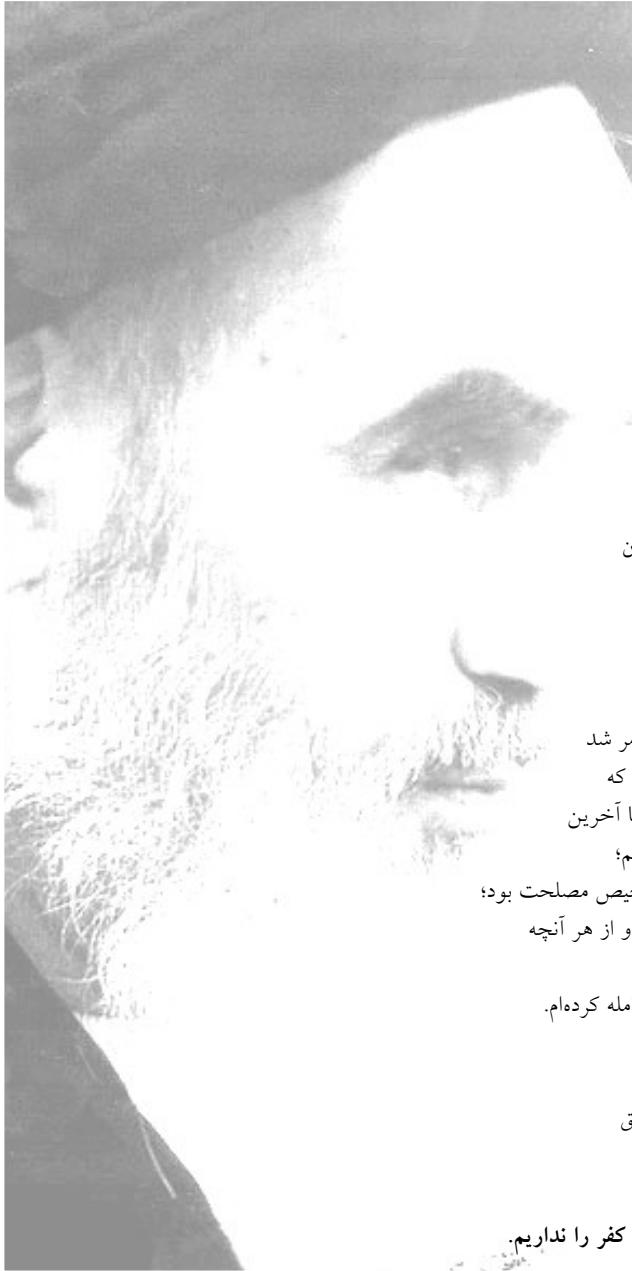
۱۲ نتوان گفت که این قافله، وا می‌ماند
دانه و دام در این راه فراوان، اما
می‌رسیم آخر و افسانه و اماندن ما
بی‌صداقت ر سکوتیم، ولی گاه خروش
بروید ای دلتان نیمه که در شیوه ما

پاورقی:

- ۱- پیام رادیو- تلویزیونی به مناسبت تحويل سال نو، ۱ فروردین ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۳
- ۲- پیام رادیو- تلویزیونی به مناسبت تحويل سال نو، ۱ فروردین ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۵
- ۳- پیام به ملت ایران برای حفظ شئونات اسلامی و اخلاقی در تبلیغات کاندیداها، ۱۱ فروردین ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۱۱
- ۴- پیام به نمایندگان مجلس شورا در افتتاح سومین دوره، ۷ خرداد ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۵۲
- ۵- پیام به نمایندگان مجلس شورا در افتتاح سومین دوره، ۷ خرداد ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۵۲
- ۶- انتصاب آقای هاشمی رفسنجانی به سمت جانشین فرماندهی کل قوا، ۱۲ خرداد ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۵۶
- ۷- پیام تشکر به آقای منتظری (تسليت سقوط هواپیمای مسافربری توسط امریکا)، ۱۳ تیر ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۶۸
- ۸- پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه ۵۹۸)، ۲۹ تیر ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۹۲
- ۹- پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه ۵۹۸)، ۲۹ تیر ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۷۵

موسسه
فرهنگی
علمی
یاسر





... من باز می‌گویم که
قبول این مسئله برای
من از زهر کشنده‌تر است؛
ولی راضی به رضای خدایم
و برای رضایت او این جروعه
را نوشیدم. و نکته‌ای که
تذکر آن لازم است
این است که در قبول
این قطعنامه فقط مستولین
کشور ایران به انتکای خود
تصمیم گرفته‌اند. و کسی و
کشوری در این امر مداخله
نداشته است ...

مردم عزیز و شریف ایران،
من فرد فرد شما را چون فرزندان
خویش می‌دانم. و شما می‌دانید
که من به شما عشق می‌ورزم؛
و شما را می‌شناسم؛
شما هم مرا می‌شناسید.
در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد
تکلیف الهی ام بود. شما می‌دانید که
من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین
قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛
اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛
و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه
گفتم گذشت؛
و اگر آبرویی داشتم با خدا معامله کرده‌ام.
عزیزانم،
شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام
که راحتی خود را بر رضایت حق
و راحتی شما مقدم ندارم.
خداآندا،
تو می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم.